تحلیل محتوای کتب درسی پایه‌های برگزیده از جنبه بازتاب کاستیهای الگوهای تولید و مصرف خانواده

دکتر عبدا... انصاری[1]

چکیده

این مقاله به گزارش پژوهشی اختصاص دارد که چگونگی پرداختن به کاستیهای مربوط به الگوهای مصرف و تولید در کتب درسی برگزیده را بررسی کرده است. فهرست کاستیها برگرفته از بررسی مستندات و یافته‌های پژوهشی پیشین است. روش تحقیق تحلیل محتوا و شیوه تحلیل داده‌ها آنتروپی شانون و اندازه‌گیری فراوانی است. جامعه آماری کتب درسی برگزیده پایه‌های ششم ابتدایی و هفتم و هشتم دوره متوسطه اول بود که همگی بررسی شدند. ابزار تحقیق سیاهه تحلیل محتوا است که روایی آن از طریق تحلیل محتوا و پایایی آن براساس الگوی پایایی اسکات برابر با ۰/۸۳ برآورد شد. یافته‌ها نشان دادند که در پایه ششم از مجموع هفت کاستی "آسیبهای الگوی مصرف"، به سه کاستی "اتلاف منابع طبیعی و عوامل تولید"، "مصرف توأم با اتلاف و اسراف" و "رعایت نشدن عدالت میان –نسلی در مصرف منابع عمومی"، در پایه هفتم به پنج و در پایه هشتم تنها به کاستی "مصرف توأم با اتلاف و اسراف" اشاره شده است. در بخش کاستیهای الگوهای تولید در کتب پایه ششم تنها به مؤلفه "بهره‌وری پایین"، در پایه هفتم تنها به مؤلفه "بی‌تناسبی رشد واردات با رشد تولید درقالب یک پرسش"، اشاره شده ولی در پایه هشتم به هیچ یک از کاستیهای الگوهای تولید پرداخته نشده است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که از ظرفیت کتب درسی برای پرداختن به "آسیبهای الگوی مصرف و تولید" به خوبی استفاده نشده است.

کلید واژگان: الگوهای تولید، کتب درسی، ارزشیابی، تحلیل محتوا، آنتروپی شانون

تاریخ دریافت: ۹۳/۴/۷ تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۱/۱۹

۱. عضو هیئت علمی پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش Abd_ansari@yahoo.com

[Downloaded from qjfr.ir on 2025-07-20]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1393.11.1.1.1]

مقدمه

بدیهی است که مشارکت و پیگیری برای پیاده سازی سیاستهای الگوی مصرف به عهده مجموعه نهادهای اجتماعی مسئول در کشور و از آن جمله آموزش و پرورش است. بسیاری باور دارند که به کارگیری سیاستهای اقتصادی به تنهایی نمی‌تواند به تحولی کارساز در الگوهای مصرف و تولید منجر شود و دستکم برای تبیین دقیق‌تر و تقویت اثر بخشی سیاستها، توجه به عناصر فرهنگی لازم و مفید است. در این زمینه آموزش، به ویژه آموزش مدرسه‌ای و رسمی می‌تواند نقشی کارساز را ایفا کند. ویژگی تأثیر پذیری فزونتر و پایدار در سنین نوجوانی و نقش کتب درسی در چارچوب نظام آموزش عمومی نشان از اهمیت آموزش رسمی و مدرسه‌ای دارد.

آموزش منافعی دارد (منافع خارجی[۱]) که به اعضای جامعه می‌رسد. برای نمونه آموزش سطح سلامت اعضای خانواده را ارتقا، دوره‌های بیکاری را کوتاهتر، هزینه‌های جستجوی کار را کاهش، مدارا با دیگران، ابراز رفتارهای قابل قبول اجتماعی، دستیابی به اطلاعات نو و توانایی برای هضم، دستیابی و آزمایش اندیشه‌های جدید را بیشتر و احتمال ارتکاب جرم را کمتر می‌کند. همچنین درک ظرفیت محصولات و خدمات نوین و در نتیجه به کارگیری تغییرات فناوری را به صورت مثبت تحت تأثیر قرار می‌دهد. از دیگر نمونه‌های منافع خارجی، کارآیی در تخصیص منابع به مثابه سودی اجتماعی است که از بهبود کارآیی در انتخاب مصرف کننده ناشی می‌شود. آموزش، دستیابی فرد را به دانش و اندیشه‌هایی میسر می‌کند که کارآیی او را در انتخاب الگوی مصرفش بهبود بخشد. آموزش سبب می‌شود تا رفتار افراد در مورد مصرف کالاها و خدمات به طور سازنده تحت تأثیر قرار گیرد و از این طریق کیفیت زندگی فرد و جامعه متأثر شود. در علم اقتصاد مصرف عبارت است از استفاده نهایی از کالاها و خدمات. این اصطلاح شامل استفاده از وسایل تولید نظیر ماشین آلات و کارخانه ها که سرمایه محسوب می شوند، نمی شود. مصرف را می توان به دو نوع مصرف بخش دولتی و بخش خصوصی تفکیک کرد. همچنین مصرف به رضایت مندی فرد نیز بستگی دارد. پیش از این تصور می شد عواملی که بر مصرف تأثیر دارند درآمد مصرف کننده و قیمت است.

الگوی مصرف عبارت از رفتار افراد، خانوارها یا کل جامعه در انتخاب، خرید و مصرف کالاها و خدمات بوده و اصلاح الگوی مصرف به مفهوم اعمال تغییر مطلوب در سطح و میزان تقاضا برای انواع کالاها و خدمات مصرفی، ترکیب و چگونگی مصرف آنها است (موسائی، ۱۳۸۸: ۱۲۷) و از

۱. آن بخش از منافع که نصیب افراد آموزش ندیده می شود به منافع خارجی آموزش معروف است (نادری، ۱۳۸۳، ص۷۷)

[Downloaded from qjfr.ir on 2025-07-20]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1393.11.1.1.1]

طریق تأثیر بر عوامل مؤثر بر تقاضا امکان می‌یابد. عوامل تعیین کننده تقاضا عبارت‌اند از قیمت، درآمد، قیمت کالاهای مرتبط، انتظارات و سلیقه. عناصر تشکیل دهنده سلیقه به نیروهای فرهنگی بستگی دارند که اقتصاددانان آثار ناشی از تغییر در تقاضا را بررسی می‌کنند (منکیو، ۱۳۸۷: ۷۴-۷۶). البته نظریه دوزنبری دلالت بر نوعی رفتار پایدار داشته و به فرهنگ، ارزشها و هنجارهای شکل گرفته جامعه بستگی دارد (موسائی، ۱۳۸۸: ۱۳۲). بنابراین اعمال تغییر در الگوی مصرف با سیاستگذاری صرف اقتصادی، کامیابی این گونه سیاستها را با مشکل روبه‌رو کرده است (همان، ص۱۳۴).

بنابراین رفتار مصرف کننده علاوه بر متغیرهای اقتصادی از عوامل دیگری نظیر فرهنگ نیز تأثیر می‌پذیرد. فرهنگ که به نوعی شیوه زندگی است به طور اکتسابی شکل می‌گیرد، بر رفتار مصرفی تأثیر می‌گذارد و آموزش و پرورش ابزاری برای ایجاد و تقویت فرهنگ و مصرف مطلوب است.

با توجه به تعریف فرهنگ عمومی و ویژگیهای مربوطه هر نوع تغییر فرهنگی مانند دگرگونی در الگوی مصرف نیازمند شناخت عناصر فرهنگی است. الگوی مصرف از مقوله فرهنگ تأثیر می‌پذیرد و به منظور توسعه رفتارهای مطلوب در جامعه، عادات مصرفی باید دگرگون شوند و آموزش یکی از راهها برای دستیابی به این هدف است.

کمبود دانش مصرفی می‌تواند از پیاده سازی سیاستهای اصلاح الگوی مصرف جلوگیری کند. برای نمونه افراد ممکن است اهمیت انرژی قابل مشاهده را اضافه و استفاده از انرژی غیر قابل مشاهده مثل آب یا گرم کردن محیط را کم برآوردکنند. ترکیب موانع اجتماعی و آموزشی، بی‌علاقگی عمومی، فهم نادرست و عوامل روان شناختی مانند مقاومت در برابر تغییر رفتار از عواملی هستند که در مسیر اصلاح الگوی مصرف جامعه اختلال ایجاد می کنند (ساواکل،[1] ۲۰۰۹).

در واقع آموزش مصرف به منزلهٔ مبنایی برای صرفه‌جویی در مصرف، ایجاد رفتاری کارآ و گرایشهای اجتماعی همسو با توسعه کشور ملاحظه می‌شود. برای نمونه آموزش مصرف در یونان به عنوان مبنایی برای تکوین فهم تدریجی صرفه‌جویی در مصرف، نگرشها و رفتار کارآ در جامعه (زوگرافاکیس و همکاران،[2] ۲۰۰۸) و در برزیل سرمایه گذاری طولانی مدت و کم هزینه برای صرفه‌جویی در انرژی در نظر گرفته می‌شود (دیاس[3] و همکاران، ۲۰۰۴).

به طور خلاصه، کمبود سواد مصرفی دانش‌آموزان می‌تواند مانع از به ثمر نشستن تلاشها در

1. Sovacool
2. Zografakis et al.
3. Dias

[Downloaded from qjfr.ir on 2025-07-20]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1393.11.1.1.1]

زمینه اصلاح الگوی مصرف شود. سواد مصرفی[1] در ابعاد سه گانه دانش، باورها و ارزشها و رفتار تعریف شده و فرد برخوردار از سواد مصرفی کسی است که از پایهٔ دانش مفهومی عمیق و درکی جامع از اینکه از مجموعه کالاها و خدمات و انرژی در زندگی روزانه چگونه باید استفاده کرد، برخوردار است، تأثیر تولید و مصرف انرژی بر فعالیتهای محیطی و اجتماعی را می‌فهمد و نسبت به ضرورت حفاظت از منابع حساس است، از تأثیری که تصمیمات و اعمال شخصی مرتبط با مصرف بر جامعه دارد، آگاه است و مهم‌تر از آن تلاش می‌کند تا انتخابهایی داشته باشد و رفتارهایی از خود نشان دهد تا این نگرش را منعکس کند. توسعه سواد مصرفی برای اصلاح جنبه‌های نامطلوب رفتار مصرفی از وظایف اصلی نهاد آموزش عمومی است. نقش اساسی به عهده برنامه درسی و محتوای برنامه درسی همان موضوعات درسی است (اوبری[2]، ۱۹۹۱) که می‌توان از آن به مثابه ابزاری برای یادگیری، توسعه ارزشها و آموزه‌های فرهنگی مانند فرهنگ صحیح تولید و مصرف بهره گرفت. سیلور و الکساندر محتوا را حقایق، مشاهدات، داده‌ها، دریافتها، تشخیصها، حساسیتها، طرحها و راه‌حلهای برگرفته از آنچه که توسط اذهان انسانی درک می شود و بناهای ذهنی که این محصولات را درون دانش، ایده‌ها، مفاهیم، تعمیمها، اصول و راه‌حل‌ها دوباره سازمان و نظم می‌دهد، تعریف کرده‌اند (شریعتمداری، ۱۳۸۰: ۱۲). به نظر لوی (۱۳۶۹) اصطلاح محتوای برنامه درسی پدیده‌هایی که به نحوی با رشته‌های مختلف علمی ارتباط دارند را نیز شامل می شود. نیکلسن (۱۳۷۴) محتوا را دانش، مهارتها، گرایشها و ارزشیابی توصیف کرد که می‌باید یاد گرفته شوند و از سوی برنامه ریزان انتخاب و سازماندهی می‌شوند. گوتک تصمیم‌گیری درباره محتوای برنامه درسی را مستلزم ارزیابی، امعان نظر و تدوین غایتهای آموزش و پرورش می‌داند و برنامه درسی را به عنوان محور اصلی فعالیتهای تربیتی و عرصه شدیدترین مشاجرات توصیف می‌کند. متون درسی در آموزش و پرورش با توجه به رویکردهای تربیتی گوناگونی چون ماهیت گرایان، پندارگرایان، پایدارگرایان و واقع گرایان از یکسو و پیشرفتگرایان، عملگرایان، تجربه گرایان و طرفداران اصالت بازسازی جایگاه متفاوتی دارند. از دیدگاه دسته اول برنامه‌های درسی بر محتوای متون درسی تمرکز دارد، موضوع- محور بوده و هدف عمده از آن انتقال میراث فرهنگی و پاسداری از آنان است (عباس زادگان، ۱۳۷۶). محتوای برنامه درسی همان موضوعات درسی است که از آن به عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف استفاده می‌شود (اوبری، ۱۹۹۱: ۳۰۳) و از نظر

1. Consumption literacy
2. Obery

[Downloaded from qjfr.ir on 2025-07-20]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1393.11.1.1.1]

نقشی که در تحقق اهداف برنامه بازی می‌کند از اهمیتی خاص برخوردار است (کانلی و کلندینین[1]، ۱۹۹۱: ۱۲۴).

با اینکه دانش مصرفی در ایران به عنوان موضوعی مستقل تدریس نمی‌شود اما مفاهیم مرتبط با مصرف در لابه‌لای برنامه درسی وجود دارد. بر این پایه از برنامه‌ریزان درسی انتظار می‌رود تا با برنامه‌ریزی مناسب، سواد مصرف دانش‌آموزان را گسترش دهند تا آگاهی لازم برای درک اهمیت اصلاح الگوی مصرف و آثار آن بر رفتار انسانی توسعه یابد. ترویج فرهنگ و تثبیت مؤلفه‌های رفتار مصرفی مطلوب و تلاش برای اصلاح جنبه‌های نامطلوب آن از وظایف اصلی نهاد آموزش عمومی است. آموزش و پرورش از طریق بالا بردن سطح دانش جامعه نسبت به موضوعات فرهنگی، تغییر نگرش و رفتار جامعه و تقویت جنبه‌های مثبت رفتار می‌تواند برای پیاده ساختن الگوی مصرف توسعه‌ای در همهٔ شئون زندگی فردی و اجتماعی تلاش کند.

معمول ترین و اصلی ترین ابزار در نظامهای آموزشی متمرکز جهان و به ویژه نظام آموزشی ایران، کتب درسی هستند که برای انتقال مفاهیم و آموزه‌های فرهنگی مرتبط با چگونگی مصرف مطلوب به کار گرفته می‌شوند و می‌توانند از طریق کتاب درسی در نظام تعلیم و تربیت رسمی عرضه شوند (مظفر و ایمانی؛ به نقل از حسینی،۱۳۹۱). بنابراین از آنجا که هر نوع فعالیت یادگیری مستلزم وجود محتوایی هدفمند است، می‌توان از محتوای کتب درسی به مثابه ابزاری برای یادگیری و توسعه ارزشها و آموزه‌های فرهنگی مانند فرهنگ صحیح تولید و مصرف بهره گرفت.

جوادی (۱۳۷۷) با یک ارزیابی تاریخی روی عملکرد مراکز پژوهشی و سیاستگذاری کشور در زمینه متون درسی، نقش و اهمیت کتابهای درسی را در نظام آموزش عمومی ایران به شرح زیر توصیف می‌کند: کتابهای درسی تنها وسیله آموزشی است که در اختیار معلم قرار می‌گیرد؛ تدریس و آموزش تنها بر اساس این کتابها صورت می‌گیرد؛ کتابهای درسی تنها منبع مشروع و قانونی کلیه ارزشیابی‌های داخلی و حتی آزمون ورودی دانشگاه‌هاست؛ یادگیری محتوای کتابها به عنوان مهمترین عامل موفقیت در آیندهٔ تحصیلی و شغلی دانش‌آموزان قلمداد می‌شود؛ نقش بسیار مهمی در ایجاد انگیزه و شوق یادگیری در نو آموزان ایفا می‌کند؛ در ایجاد نگرشها و ارزشهای ضروری برای زندگی فرد در جامعه سهم عمده‌ای دارد و وظیفهٔ شکوفایی استعدادها و قابلیتهای دانش‌آموزان را به عهده دارد.

تقریباً از پایان قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ کتب درسی در جهت موقعیتهای اقتصادی و تقویت

1. Connelly & Clandinin

[Downloaded from qjfr.ir on 2025-07-20]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1393.11.1.1.1]

واکنشهای اجتماعی تغییر کرده اند (آلتباخ،[1] ۱۹۹۵). کتابهای درسی به دلیل برخورداری از محتوا و شیوه‌های گوناگون نگارش از دامنه اثربخشی متفاوتی در تولید و پردازش معلومات و انتقال دانش به دانش‌آموزان برخوردارند. همچنین در سالهای اخیر صاحب‌نظران و کارشناسان برای تبیین چگونگی اصلاح الگوی مصرف، تلاشهای بسیار کرده‌اند تا ابعاد مختلف وضعیت مصرف در ایران تشریح و آسیب‌شناسی شود. برخی یافته‌های عنوان شده در گزارشهای مورد اشاره دلالت بر این نکته داشتند که درک عمومی و مشترکی که در مورد ضرورت اصلاح الگوی مصرف در ایران میان نخبگان و عموم جامعه وجود دارد، گرداگرد مفاهیم متفاوتی شکل گرفته است. ضمن آنکه تلاشهای پژوهشی انجام شده کمتر متکی به شواهد و مستندات مشخص برای درک مسائل و مبتنی بر پایهٔ نظری معینی برای فهم عوامل مؤثر و سیاستگذاری بوده اند (کمیسیون اصلاح الگوی مصرف، ۱۳۸۹: ۶). برای نمونه برخی باور دارند که خانوارهای ایرانی بیش از حد مصرف می‌کنند. گروهی دیگر سطح مصرف بیش از حد خانوارها در ایران را مناسب اما ترکیب نامناسب کالاها و خدمات مصرفی را نامناسب می‌دانند. بعضی مصرف‌گرایی و چشم و هم‌چشمی در مصرف و نظائر آن را آسیبهای اصلی رفتار مصرفی ایرانیان می‌دانند و گروهی دیگر به اسراف، اتلاف و تبذیر اشاره می‌کنند. به باور برخی، کارایی اندک و اثربخشی محدود در رفتار مصرفی دولت در ایران مسئله اصلی است و باید اصلاح شود. همچنین برخی دیگر از سیاستگذاران و صاحب‌نظران باور دارند که کاستی الگوی مصرف چگونگی مصرف کالاها و خدمات نهایی نیست بلکه کمیت و کیفیت مصرف منابع و سرمایه‌های جامعه است. آنان بر این باورند که تصمیم‌گیری تولیدکنندگان ایرانی (اعم از خصوصی و دولتی) به تخصیص بهینهٔ منابع جامعه منجر نمی‌شود.

بررسی ابتدایی ادعاهای مذکور با شواهد و مستندات موجود نشان داد که الگوی مصرف در ایران با غالب چالشهای مذکور روبه‌رو است. درضمن مشخص شد که در سطح خرد اقتصادی، شواهد موجود بیشتر بر وجود چالشهای مذکور در مصرف و تولید کالاهای خاصی صدق می‌کند و تعمیم بدون بررسیهای تجربی تفصیلی تر مجاز نیست. بنابراین فعالیتهای موجود مورد بازنگری و نقد قرار گرفت و برای تبیین مجدد مسئله با نگاهی متفاوت در این حیطه تلاش شد. یافته‌های این مطالعه به تدوین فهرستی از آسیبهای مبتلا به الگوهای مصرف و تولید در کشور منجر شد که عبارت‌اند از:

افزایش مصرف با رشدی بیش از رشد تولید از سوی خانوارهای ایرانی نیز بی‌تناسبی رشد

1. Altbach

[Downloaded from qjfr.ir on 2025-07-20]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1393.11.1.1.1]

مصرف خانوار با تولید و رشد مصرف کل با رشد تولید در چهار دهۀ اخیر تأیید می‌شود. شواهدی وجود دارند که نحوه مصرف کالاها و خدمات نهایی همراه با اتلاف و اسراف در ایران را نشان می‌دهد. بالا بودن ضریب جینی (در حدود ۰/۴) و مصرف ۱۵ برابری دهک بالایی نسبت به دهک پایینی (در مناطق شهری ایران) شواهدی جدی از ناعادلانه بودن توزیع هزینه‌های مصرفی میان خانوارهای ایرانی است[۱] (کمیسیون اصلاح الگوی مصرف، ۱۳۸۹: ۱۸). شاخصهای شدت انرژی، اتلاف انرژی یا هرزروی آب، تولید اندک در برابر منابع مصرف شده و ایجاد زباله و آلاینده‌ها نمونه‌هایی هستند که اتلاف منابع طبیعی و عوامل تولید در کشور را نشان می دهند. همچنین شواهد موجود در مورد درصد بالای اتلاف انرژی در فرآیند تولید، توزیع و نیز مصرف آن، بهره‌وری نازل عوامل تولید در سطوح بنگاهی و بخشی... بر سطح پایین کارایی و اثربخشی تولید و توزیع کالاها و خدمات در ایران گواهی می‌دهد.

به واسطه برخورداری از ذخایر تجدید ناپذیر و میان-نسلی هیدروکربوری مصرف در کشور به طور رو به گسترشی متکی به منابع تجدیدناپذیر است و رشد آن تناسبی با گسترش ظرفیتهای تولیدی کشور ندارد و نشان می‌دهد که عدالت میان- نسلی در مصرف منابع عمومی رعایت نمی-شود. گزارشهای متعدد نشان می‌دهند که هر سال تنها کمی بیش از نیمی (۵۵ درصد) از اهداف یکساله طرحهای عمرانی محقق می‌شود. همه ساله اجرای تعدادی از پروژه‌های مصوب متوقف می‌شوند یا اصلاً آغاز نمی‌شوند یا درصد بالایی از پروژه‌ها از برنامه زمانی عقب می‌مانند و در نتیجه اتلاف منابع عمومی در برنامه ریزی و اجرای طرحهای عمرانی را در پی دارند.

بررسی چالشهای عنوان شده به همراه کنکاش در اطلاعات و آمار در حوزه الگوی تولید نیز به تدوین فهرستی از آسیبهای الگوی تولید در ایران منجر شده است که عبارت اند از: سطح نسبتاً پایین رشد تولید، پرنوسانی رشد تولید، بهره‌وری پایین، فزونی رشد مصرف خانوار و دولت از رشد تولید، وابستگی تولید به واردات، بی‌تناسبی رشد واردات با رشد تولید، وابستگی واردات به درآمدهای نفت و گاز، فزونی واردات بر صادرات غیرنفتی و منفی‌شدن تراز پرداختهای غیرنفتی و قابل تداوم نبودن الگوی فعلی تولید و واردات (کمیسیون اصلاح الگوی مصرف، ۱۳۸۹: ۱۶).

با توجه به نکات فوق، این مطالعه بر آن است تا با بهره‌گیری از نتایج پژوهش کمیسیون اصلاح

---

۱. از دیدگاه عملگرایانه کاربرد هزینۀ کل به جای درآمد در پرتو نظریۀ درآمد دائمی موجه است. اگر چه این فرض که هزینۀ کل ارتباط نزدیکی با درآمد دارد تنها در شرایطی معتبر است که هزینه‌ها شامل هزینۀ خدمات و کالاهای بی‌دوام شده و احتمالاً کالاهای بادوام، با درآمد موقت سازگاری و نزدیکی بیشتری دارند (کیم، ۱۹۸۸: ۱۷۸).

[Downloaded from qjfr.ir on 2025-07-20]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1393.11.1.1.1]

الگوی مصرف دبیرخانه شورای انقلاب فرهنگی در زمینه شناسایی چالشهای الگوی مصرف در ایران، چگونگی بازتاب آسیبهای الگوهای مصرف و تولید یادشده را در قالب برنامه درسی و از طریق کتب درسی جدید التألیف پایه‌های ششم، هفتم و هشتم مطالعه کند.

برای دستیابی به چنین هدفی مقاله حاضر به ترتیب زیر سازماندهی شده است. پس از مقدمه که در آن به جایگاه اصلاح الگوی مصرف در اقتصاد آموزش و رابطه آن با فرهنگ پرداخته شده است، طرح تحقیق شامل بیان مسئله، سؤال و روش تحقیق و سپس مبانی نظری، پیشینه و یافته‌های تحقیق، جمع بندی و در پایان پیشنهادات ارائه می‌شود.

بیان مسئله

فرآیند تولید برنامه درسی در دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی طی هشت مرحله شامل پژوهش و نیازسنجی، تولید راهنمای برنامه درسی، اعتباربخشی راهنمای برنامه درسی، تولید برنامه درسی و مواد آموزشی (کتاب دانش‌آموز، راهنمای معلم، کتاب کار و.....)، اعتباربخشی مواد آموزشی، اصلاح نهایی برنامه درسی و مواد آموزشی، اجرای سراسری برنامه درسی و ارزشیابی پایانی از برنامه درسی انجام می‌گیرد (دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، ۱۳۸۱).

پیش از این عنوان شد که یکی از راهبردها برای اصلاح الگوی مصرف، تغییر در نگرش و رفتارهای مصرفی از طریق آموزش مصرف به گروههای گوناگون جامعه است و مدرسه به منزلهٔ نهاد رسمی مؤثر در توسعه و ترویج آموزه‌های گوناگون فرهنگی، اجتماعی و به ویژه پیاده سازی فرهنگ صحیح تولید و مصرف می‌تواند نقشی بسزا ایفا کند. یکی از مؤثرترین ابزار برای ایفای نقش آموزش و پرورش و روشهای ایجاد تغییر در نگرشهای مصرفی، آموزش در سنین کودکی است که شاخص‌ترین ابزار در دسترس آن کتب درسی است. لذا با توجه به اهمیت مقوله فرهنگ و تأثیر آن بر الگوی مصرف و این نکته که آموزش می‌تواند به اصلاح فرهنگ یاری رساند، بخشی از عملکرد آموزش و پرورش به منزلهٔ نهاد رسمی ارائه خدمات آموزشی، از طریق ارزیابی محتوای کتب درسی مدارس قابل بررسی و ارزشیابی است.

در این مقاله تلاش می‌شود به پرسش "بازتاب (اندازه توجه به) آسیبهای الگوهای تولید و مصرف در کتابهای درسی پایه های ششم تا هشتم آموزش عمومی چگونه است؟" پاسخ داده شود.

در این زمینه کتابهای درسی یاد شده از لحاظ میزان توجه و بود یا نبود آموزه‌های سازگار با آسیبهای الگوهای مذکور مورد بررسی قرار گرفته است و از این طریق بخش مهمی از عملکرد نظام آموزش و پرورش برای اصلاح الگوهای مصرف و تولید جامعه می‌تواند ارزیابی شود.

[Downloaded from qjfr.ir on 2025-07-20]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1393.11.1.1.1]

برای بررسی کتب درسی برگزیده نخست همهٔ عبارات (متن، تصاویر، پرسشها و فعالیتها) مرتبط با الگوهای مصرف و تولید در ایران، استخراج و سپس آن دسته که به گونه‌ای بر آسیبهای یادشده در گزارش کمیسیون اصلاح الگوی مصرف دلالت داشتند، شمارش شد. شایان ذکر است که در این مطالعه به نحوه جهت‌گیری دربارهٔ تغییر الگوی مصرف یا چگونگی سازوکار انتقال و کیفیت آموزه‌های فرهنگی در کتابهای درسی، پرداخته نشده و تنها شمار مطالب موجود در کتب مذکور که با آسیبهای الگوی مصرف سازگاری داشته باشند، بررسی شده است.

پیشینه تحقیق

با بررسی اجمالی مطالعات مرتبط مشخص شد که با وجود اهمیت موضوع، پژوهشهای انجام شده کم شمار هستند. افخمی (۱۳۸۹) با بررسی ۸۲ عنوان کتاب درسی در سه مقطع تحصیلی مدارس کشور، دریافته است که مطالب مربوط به کمیابی، دشواری تأمین آب سالم و روشهای مصرف بهینه آب در کمتر کتاب درسی مورد توجه قرار گرفته است. از یازده هزار صفحه کتب مورد بررسی، تنها در دو کتاب و کمتر از نیم صفحه به لزوم صرفه جویی و مصرف بهینه آب اشاره شده است.

قلی پور (۱۳۸۹) نشان داده که به ترتیب ۳۵/۴ و ۳/۱ درصد از مفاهیم مرتبط با موضوع استفاده بهینه از گندم و نان در کتب درسی دوره دبستان و راهنمایی دارای موضع‌گیری مثبت بوده است. البته این مفاهیم نسبت به مسئله آموزش الگوی صحیح مصرف، تغییر در رفتارهای مصرفی، توجه به ضایعات، فرهنگ سازی و یا رعایت هرگونه استاندارد، اغلب خنثی بوده اند (قلی‌پور، ۱۳۸۹).

ربیعی و محبی امینی (۱۳۸۸) با تحلیل محتوای کتب درسی دوره ابتدایی دریافتند که بیشترین فراوانی مؤلفه‌های الگوی مصرف مربوط به آب در کتاب علوم تجربی و پایه پنجم و کمترین مربوط به پوشاک در کتاب مدنی پایه‌های اول و سوم بوده است. دی واترز و پاورز[1] (۲۰۰۷) تلاش کردند تا سطح سواد انرژی دانش‌آموزان دورهٔ راهنمایی را در ایالت نیویورک آمریکا مطالعه کنند. به باور ایشان کاستی اطلاعات می‌تواند بزرگترین چالش ملی برای حل بحران انرژی باشد. این تحقیق در پی شناخت عملکرد دانش‌آموزان در حوزه‌های شناختی، عاطفی و رفتاری، زمینه‌های ویژه‌ای که دانش‌آموزان در آنها ناکارایی دارند، رابطه میان نگرشها، ارزشها و رفتارهای مرتبط با انرژی دانش‌آموزان بود. هدف مطالعه آن بود که پس از سازگاری یافته‌ها با مواد برنامه درسی مدارس، اطلاعات لازم برای تدوین مواد و برنامهٔ آموزشی مرتبط با مصرف انرژی فراهم شود.

1. DeWaters & Powers

[Downloaded from qjfr.ir on 2025-07-20]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1393.11.1.1.1]

وجود همبستگی بالا میان نگرشها و گرایشها با رفتارهای مرتبط با مصرف انرژی، در برابر همبستگی پایین میان جنبه‌های رفتاری و شناختی، نشان می‌دهد که برنامه آموزشی مؤثر نه تنها باید توسعه دانش را هدف گذاری کند، بلکه باید تلاش کند تا بر دیدگاهها، باورها و ارزشها تأثیر بگذارد (دی واترز و پاورز، ۲۰۰۷). تحلیل مطالعات انجام شده در داخل کشور نشان می‌دهد که شمار پژوهشهای مرتبط با موضوع الگوهای مصرف و تولید در کتب درسی اندک بوده و برای کتب درسی جدید پژوهشی انجام نشده است.

روش تحقیق

در این مطالعه به دلیل ارزشیابی برنامه درسی در دروس و پایه‌های پیش گفته به هنگام اجرای آن و همچنین براساس ملاکها و معیارهای از قبل تعیین شده و برگرفته از آسیب شناسی الگوهای مصرف و تولید، از رویکرد ارزشیابی تکوینی و ارزشیابی مبتنی بر هدف و الگوی تحلیل محتوا استفاده می‌شود. ارزشیابی تکوینی، ارزشیابی است که در زمان تدوین یا پیاده سازی یک برنامه از سوی ارزشیاب درونی یا بیرونی یا ترکیبی از آنها انجام می‌شود (استافل‌بیم، مادائوس و کلاگان،[1] ۲۰۰۲). ارزشیابی برنامه درسی عبارت است از داوری ارزشیابانه درباره فرآورده‌های برنامه درسی یا داوری پیرامون مجموعه‌ای پیچیده از تعاملهای میان یک برنامه درسی با محیط اجرای آن (آلکین، ۱۳۸۷)، که از نظر آیزنر[2] (۱۹۹۴) شامل ارزشیابی اهمیت محتوا، ارزشیابی کیفیت تدریس و ارزشیابی بروندادهای کسب شده است. به عقیده آلکین (۱۳۸۷) ارزشیابی به دو بخش اساسی ارزشیابی محصول برنامه درسی و ارزشیابی برنامه درسی در حین اجرا تقسیم می‌شود و به تعبیر شون‌میکر[3] (۲۰۱۰) دربرگیرنده ارزشیابی طراحی برنامه درسی (محتوا و فرآیند)، ارزشیابی اجرای برنامه درسی و ارزشیابی بروندادهای آن است. در ارزشیابی، تعیین دقیق ملاکها و نشانگرها ضرورت دارند. ملاک[4] عبارت است از ویژگیها یا جنبه‌هایی از نظام آموزشی که داوری و ارزشیابی درباره آن انجام می‌شود. نشانگر[5] عبارت است از آماره‌ای[6] درباره نظام آموزشی که وضعیت یک یا چند عامل را آشکار می‌سازد (بازرگان، ۱۳۸۵).

ارزشیابی عبارت از فرآیند تعیین‌کردن، بدست‌آوردن و فراهم ساختن اطلاعات توصیفی و قضاوتی در مورد ارزش و مطلوبیت اهداف، طرحها، اجرا و نتایج به منظور هدایت تصمیم‌گیری،

1. Stufflebeam, Madaus & Kellaghan
2. Eisner
3. Schoonmaker
4. Criteria
5. Indicator
6. Statistic

[Downloaded from qjfr.ir on 2025-07-20]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1393.11.1.1.1]

خدمت به نیازهای پاسخگویی و درک بیشتر از پدیده‌های مورد بررسی (استافل‌بیم و شینک‌فیلد، به نقل از کیامنش،۱۳۸۰) است که الگوهای مختلفی چون الگوهای برخاسته از رویکرد مبتنی بر هدف و مبتنی بر مدیریت (الگوهای سیپ[1] و یو. سی. ال. ای.[2]) را در بر می‌گیرد. همان طور که اشاره شد، محتوا از عناصر و فرآیندهای برنامه درسی است و می‌تواند از طریق کتاب درسی در نظام تعلیم و تربیت رسمی عرضه شود. کتابهای درسی یکی از عوامل اساسی رشد و توسعه یادگیری شناختی کودکان در جهان امروز است.

در این مطالعه برای ارزشیابی از روش تحلیل محتوا استفاده می‌شود. استفاده از روش تحلیل محتوا در زمینه آموزش و پرورش مبتنی بر این فرض اساسی است که هر وسیله ارتباط مانند کتاب، دارای پیامهای نهایی و آشکاری است که خواننده را تحت تأثیر قرار می‌دهد (وست بری،[3] ۱۹۸۵: ۷۴). به باور برلسون ویژگیهای منظم بودن، عینی بودن و مقداری بودن در تعریفی که هولستی از آن فن می‌دهد قابل مشاهده است. به عبارتی دیگر تحلیل محتوا به هر نوع فنی اطلاق می‌شود که در استنتاج منظم و عینی ویژگیهای خاص یک متن به کار می‌آید (ساروخانی، ۱۳۷۸ :۲۸۰). باردن (۱۳۷۴) مرحله اول تحلیل محتوا را شامل سه مأموریت انتخاب مدارکی که باید تحلیل شوند، تنظیم فرضیات و اهداف و تعیین معرفهایی که تفسیر نهایی بر مبنای آنها خواهد بود، می‌داند. به باور میرینگ تحلیل محتوا تنها محتوای آشکار داده‌ها را تحلیل نمی‌کند. بکر و لیس‌من (به نقل از حسینی، ۱۳۹۱) سطوح محتوا را به مضامین[4] و ایده‌های اصلی متن به عنوان محتوای اولیه و اطلاعات زمینه‌ای به مثابه محتوای پنهان تفکیک کرده‌اند.

معمولاً گرایش به تحلیل محتوای پنهان با کیفی بودن تحلیل محتوا رابطه دارد. کیفی‌گرایان در تحلیل محتوا دو نقد اساسی را بر کمی‌گرایان وارد می‌دانند:۱. سطحی شدن تحلیل و غفلت از داده‌های معدود ولی با ارزش ۲. مغفول ماندن بخش مهمی از متن به دلیل پرداختن به محتوای آشکار و غفلت از محتوای پنهان متون (رایف، لیسی و فیکو، ۱۳۸۵). اما رایف در پاسخ به این مدعا و در مقام حمایت از تحلیل محتوای کمی و محتوای آشکار، مزایای ناخودآگاه و غیرکنش‌پذیربودن، امکان انجام تحقیقات طولی با استفاده از آرشیو و تقلیل محتوای فراوان به داده‌های قابل‌کنترل و کاربرد فراوان در رشته‌های مختلف را برای این نوع تحلیل بر می‌شمارد.

1. CIPP Evaluation Model
2. The UCLA Evaluation Model
3. Westbury
4. Themes

[Downloaded from qjfr.ir on 2025-07-20]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1393.11.1.1.1]

به باور برلسون (به نقل از مک‌ناراما[1]،۲۰۰۱) تحلیل محتوا ۵ هدف عمده (توصیف ویژگیهای اصلی محتوای پیام، توصیف ویژگیهای شکلی محتوای پیام، استنباط مفاهیم موردنظر تهیه‌کنندگان محتوا، استنباط برداشت مخاطبان پیام از محتوای آن و پیش‌بینی آثار محتوا بر مخاطبان) دارد. از نظر ویمر و دومینیک (به نقل از حسینی، ۱۳۹۱) یکی از پنج هدف اصلی تحلیل محتوا، توصیف محتوای ارتباطات است که طی آن ویژگیهای مجموعه‌های خاصی با محتوای ارتباطی، در یک یا چند مقطع زمانی و نیز دگرگونی‌های اجتماعی مطالعه می‌شوند. بارکوس معتقد است که "تحلیل محتوا" به معنای تحلیل علمی پیامهای ارتباطی و روشی کاملاً علمی بوده که با وجود جامع بودن، از نظر ماهیت نیازمند تحلیلی دقیق و منظم است (هولستی، ۱۳۸۰). تحلیل محتوا عبارت از طبقه بندی عنصرهای متن مورد تحلیل در مقوله های از پیش تعیین شده است که البته در یک زمان نمی توان چند مقوله را با هم به کار برد (دووروژه، ۱۳۶۲). همچنین تحلیل محتوا روش مطالعه و تجزیه و تحلیل ارتباط ها به شیوه فضا مدار عینی و کمی برای اندازه گیری متغیرهاست (کرلینجر، ۱۳۸۲).

واحد تحلیل (جمله یا مجموعه ای که آن واحد در درون آن جا یافته است و معنی می دهد) در این پژوهش صفحه (متن، پرسشها، فعالیت و تصاویر) و واحد ثبت عبارت (مضمون پاراگراف) و تصاویر است. منظور از مضمون پیام خاصی است که از جانب فرستنده پیام مورد توجه است (ساروخانی، ۱۳۷۸: ۳۰۵). مراحل تحلیل نیز عبارت‌اند از: آماده سازی و سازمان دهی، بررسی پیام و پردازش داده‌ها (سرمد و همکاران، ۱۳۸۰). تمرکز این پژوهش بر پردازش داده‌های گردآوری شده از پیام پس از رمزگذاری، مقوله بندی آن و تحلیل اطلاعات به دست آمده است.

جامعه آماری

جامعه آماری این پژوهش کتب درسی مطالعات اجتماعی، علوم تجربی، هدیه‌های آسمانی، فارسی، کار و فناوری، تفکر و پژوهش و فرهنگ و هنر در پایه‌های ششم (شش عنوان)، هفتم و هشتم (هفت عنوان) هستند که به دلیل نزدیکی محتوای کتب برگزیده با موضوع مطالعه (آسیبهای الگوهای مصرف و تولید) انتخاب شده اند. سبب گزینش پایه‌های یاد شده احتمال بیشتر سازگاری محتوای کتب با موضوع مطالعه از جنبه‌های تناسب سنی دانش‌آموز و تغییر محتوای کتب طی سه سال اخیر (بر مبنای رویکرد نوین و اسناد تحول بنیادین و برنامه درسی ملی) است. همه جامعه آماری از لحاظ توجه به سازه الگوهای مصرف و تولید و آسیبهای آن تحلیل و بررسی شده و نمونه‌گیری به عمل نیامده است.

1. McNamara

[Downloaded from qjfr.ir on 2025-07-20]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1393.11.1.1.1]

روایی و پایایی ابزار پژوهش

ابزار این پژوهش سیاهه تحلیل محتواست که روایی آن از طریق تحلیل محتوای عناوین (روش محتوایی و نظر متخصصان) و پایایی آن براساس الگوی پایایی اسکات برآورد شده است. به منظور تعیین روایی تحلیل محتوا برای انتخاب مؤلفه‌های (آسیبها) الگوهای مصرف و تولید در کشور از گزارش کمیسیون اصلاح الگوی مصرف دبیرخانه شورایعالی انقلاب فرهنگی با عنوان الگوی مصرف در ایران که فراتحلیل مجموعه گسترده و متنوعی از پژوهشهای انجام شده مرتبط بوده استفاده شده است. گزارش یادشده با واکاوی دقیق از کوششهای پیشین برای شناسایی چالشهای الگوهای مصرف و تولید در ایران و استفاده از روشی معین، چالشهای مذکور را طبقه‌بندی و جایگاه نظری آنها را مشخص کرده است.

در این گزارش عنوان می‌شود که با مرور گزارشها و مقالات منتشر شده پیرامون ابعاد اقتصادی اصلاح الگوی مصرف در ایران، تفاوت مفاهیم، روشن نبودن ملاکها و معیارها و نیز عدم ارائهٔ شواهد و مستندات مرتبط و کافی برای توصیف مسئله یا آنچه چالش نامیده شده است، آشکار می‌شود. همچنین مشخص نبودن جایگاه نظری موضوع و بهره‌گیری از مزایای آن، اصلی‌ترین ویژگیهایی هستند که کم و بیش در اغلب آنها به چشم می‌خورد (کمیسیون اصلاح الگوی مصرف، ۱۳۸۹ :۶). در این مقاله ادعاهای مذکور با شواهد و مستندات بررسی و پس از احصای کاستیهای مطالعات انجام شده پیرامون موضوع، فهرستی اصلاح شده از چالشهای مطرح شده در گزارشها و مقالات منتشر شده در مورد الگوی مصرف متکی به مستندات و آمار در ایران، استخراج شده است.

پس از آن فهرست نهایی در قالب سیاهه اولیه تحلیل محتوای کتب منتخب پایه‌های ششم و هفتم از جنبه توجه به سازه آسیبهای الگوهای مصرف و تولید در اختیار سه تن از صاحب نظران این حوزه قرار گرفت که پس از اعمال نظرات آنها، فهرست نهایی در قالب هفت مؤلفه برای الگوی مصرف و نه مؤلفه برای الگوی تولید تهیه شد.

برای برآورد پایایی داده‌ها در تحلیل محتوا، به باور هولستی (۱۳۸۰) روشهای گوناگون مانند پایایی مرکب الگوی اسپیگلمن، تروئیلیگر و فیرینگ و... وجود دارد. اما به نظر می‌رسد که الگوی اسکات (Pi) به دلیل ارائه تخمین محتاطانه‌ای از پایایی، سودمندتر از سایر روشها است. بنابراین در این پژوهش از الگوی پایایی اسکات استفاده شده است. متناسب با این الگو در گام نخست، درصد توافقهای مورد انتظار تعیین شد. برای تعیین درصد توافقهای موردانتظار (تصادفی) ابتدا نسبت عناوین هر مقوله از مجموعه مقوله‌ها و سپس مجذور تمام مقوله‌ها محاسبه شد که همان درصد

[Downloaded from qjfr.ir on 2025-07-20]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1393.11.1.1.1]

توافقهای مورد انتظار بود. در گام بعدی با قرار دادن اندازه‌های مختلف در رابطه مربوطه، اندازه ضریب پایایی ابزارها برابر با ۰/۸۵ برآورد شد.

شیوه اجرا و مراحل آن

بررسی و تحلیل کتب درسی به ترتیب زیر اجرا شد:

الف) مطالعه مبانی نظری الگوی مصرف

ب) استخراج و تحلیل داده‌ها: در این مرحله داده‌های حاصل از فرم تحلیل محتوا طبقه بندی شد و با آمار توصیفی و روش آنتروپی شانون[1] مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

روش تحلیل داده ها

جامعه آماری این پژوهش کتب درسی برگزیده پایه‌های ششم، هفتم و هشتم بودند که شامل مطالعات اجتماعی، علوم تجربی، هدیه‌های آسمانی، فارسی،کار و فناوری، تفکر و پژوهش و فرهنگ و هنر در پایه‌های ششم (شش عنوان) و هفتم و هشتم (هفت عنوان) هستند. کتب یاد شده به روش نمونه گیری هدفمند به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. واحد تحلیل ابزار این پژوهش سیاهه تحلیل محتوا بود که روایی آنها از طریق تحلیل محتوای سؤالات و پایایی آنها براساس الگوی پایایی اسکات (Pi) برابر با ۰/۸۵ برآورد و برای تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش نیز از روش آنتروپی شانون استفاده شد. آنتروپی شاخصی برای اندازه‌گیری عدم اطمینان است که با یک تابع توزیع احتمال بیان به صورت زیر نوشته می‌شود:

$$E \approx S\{P_1, P_2 \cdots, P_n\} = -k \sum_{i=1}^{m} [P_i L_n P_i]$$

براساس این روش که به مدل جبرانی مشهور است، محتوای کتابهای انتخاب شده با دو پاسخگو (کتب ششم، هفتم و هشتم) در هفت مؤلفه (آسیبهای الگوی مصرف) و نه مؤلفه (آسیبهای الگوی تولید) طبقه بندی شدند. سپس فراوانی هر یک از مؤلفه‌ها شمارش و در نهایت داده‌های جداول فراوانی براساس مراحل زیر تحلیل شدند:

مرحله اول: بهنجار کردن ماتریس فراوانیهای جدول براساس فرمول زیر:

$$p_j = \frac{F_j}{\sum_{i=1}^{m} F_{ij}} (i = 1,2,3, \cdots \mathrm{m};\ j = 1,2, \cdots n)$$

مرحله دوم: محاسبه آنتروپی شاخص j ام یا به بیان دیگر بار اطلاعاتی مقوله j

1. Shannon entropy method

[Downloaded from qjfr.ir on 2025-07-20]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1393.11.1.1.1]

$$E_j = -k\sum_{i=1}^{m}[p_{ij}L_n p_{ij}](j = 1,2,\cdots,n) \qquad K = \frac{1}{L_n m}$$

مرحله سوم: برآورد ضریب اهمیت برای هریک از موضوعات با استفاده از بار اطلاعاتی مقوله‌ها $(j = 1,2,\cdots n)$ و فرمول زیر (موضوعات دارای بار اطلاعاتی بیشتر از درجه اهمیت W_j بیشتری برخوردارند.)

$$W_j = \frac{E_j}{\sum_{j=1}^{n} E_j}$$

ضریب اهمیت(W_j) شاخصی است که ضریب اهمیت هر مقولهj ام را در یک پیام با توجه به کل پاسخگوها مشخص می‌کند.از طرفی می‌توان با توجه به بردارW ، مقوله‌های حاصل از پیام را نیز رتبه بندی کرد (عادل آذر، ۱۳۸۰: ۸-۱۰).

یافته‌های پژوهش

پیش از ارائه نتایج، اشاره به این نکته ضرورت دارد که بررسی مفاد کتب درسی در این نوشته تنها جنبه کمّی داشته است و ناظر به جهت‌گیری و کیفیت محتوا و چگونگی تبیین موضوع نیست. همچنین در این مطالعه برخی عبارات با وجود اینکه مضمون تکراری داشتند از مضامین بکر تفکیک نشده و لحاظ شده اند.

وضعیت آسیبهای الگوی مصرف در کتب درسی برگزیده پایه‌های ششم، هفتم و هشتم

یافته‌های تحلیل محتوای کتب درسی پایه‌های ششم، هفتم و هشتم شامل فراوانی مؤلفه‌ها، اندازه ضرایب بار اطلاعاتی و اهمیت، به ترتیب الگوهای مصرف و تولید ارائه می‌شوند.

جدول شماره ۱. توزیع فراوانی، بار اطلاعاتی و ضریب اهمیت عبارات مرتبط با آسیبهای الگوی مصرف در کتاب مطالعات اجتماعی

عنوان مؤلفه	کتاب مطالعات اجتماعی				اندازه ضریب	
	پایه ششم	پایه هفتم	پایه هشتم	جمع	باراطلاعاتی	اهمیت
مصرف با رشدی سریع تر از تولید	۰	۰	۰	۰	۰	۰
مصرف توأم با اتلاف و اسراف	۱۲	۱۰	۰	۲۲	۰/۶۲۷	۰/۳۵۸
مصرف ناعادلانه	۰	۰	۰	۰	۰	۰
اتلاف منابع طبیعی و عوامل تولید	۲	۵	۰	۷	۰/۳۱۱	۰/۳۱۱
بهره‌وری پایین و با رشد نامناسب	۰	۰	۰	۰	۰	۰
رعایت نشدن عدالت میان- نسلی در مصرف منابع عمومی	۲	۱	۰	۳	۰/۵۷۹	۰/۳۳۱
اتلاف منابع عمومی در برنامه ریزی و اجرای طرحهای عمرانی	۰	۰	۰	۰	۰	۰
جمع	۱۶	۱۶	۰	۳۲	۱/۷۵۱	۱

اطلاعات جدول شماره ۱ نشان می‌دهد که در همهٔ صفحات کتب مطالعات اجتماعی پایه‌های

[Downloaded from qjfr.ir on 2025-07-20]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1393.11.1.1.1]

ششم، هفتم و هشتم بیشترین ضرایب اهمیت برآورد شده به "مصرف توأم با اتلاف و اسراف" با اندازه ۰/۳۵۸ و کمترین به "اتلاف منابع طبیعی و عوامل تولید" اختصاص دارد. البته اندازه ضرایب مؤلفه‌هایی که در کتب مورد مطالعه به آنها پرداخته نشده، صفر است.

یافته‌های تحلیل کتب درسی مطالعات اجتماعی پایه‌های مورد مطالعه نشان می‌دهند که به مؤلفه "مصرف توأم با اتلاف و اسراف"، در قالب ۲۲ عبارت پرداخته شده و به مؤلفه‌های "مصرف با رشدی سریع‌تر از تولید"، "مصرف ناعادلانه"، "اتلاف منابع عمومی در برنامه ریزی و اجرای طرحهای عمرانی" و نیز در کتب درسی پایه هشتم به هیچ یک از مؤلفه‌ها اشاره نشده است. نکته قابل توجه تفاوت نتایج حاصل از به کار گیری دو روش توزیع فراوانی و آنتروپی شانون با یکدیگر است (مؤلفه "رعایت نشدن عدالت میان- نسلی در مصرف منابع عمومی" از جنبه ضریب اهمیت در رتبه دوم اما از لحاظ فراوانی سوم است.). به طور کلی دو نوع از روشهای متفاوت برای پردازش اطلاعات موجود از یک مسئله تحلیل محتوا مطرح شده که یک نوع برگرفته از مدل غیرجبرانی و دیگری از مدل جبرانی است. روش توزیع فراوانی برای تحلیل محتوا از نوع غیر جبرانی است که با توجه به درصد فراوانیها تحلیل می‌شود و به مبادله میان مقوله‌ها از نظر پاسخگو توجهی نمی‌شود و در برابر روش آنتروپی شانون، از نوع جبرانی است که در تحلیل و پردازش اطلاعات هم به پاسخگو و هم به مقوله‌ها توجه دارد (آذر،۱۳۸۰: ۱۵).

جدول شماره ۲. توزیع فراوانی، بار اطلاعاتی و ضریب اهمیت عبارات مرتبط با آسیبهای الگوی مصرف در کتاب علوم تجربی

مؤلفه	کتاب علوم تجربی				اندازه ضریب	
	سال ششم	سال هفتم	سال هشتم	جمع	باراطلاعاتی	اهمیت
مصرف با رشدی سریع تر از تولید	۰	۰	۰	۰		
مصرف توأم با اتلاف و اسراف	۰	۵	۰	۵	۰	۰
مصرف ناعادلانه	۰	۰	۰	۰	۰	۰
اتلاف منابع طبیعی و عوامل تولید	۱۱	۱	۰	۱۲	۰/۲۶۱۱	۱
بهره‌وری پایین و با رشد نامناسب	۰	۰	۰	۰	۰	۰
رعایت نشدن عدالت میان- نسلی در مصرف منابع عمومی	۰	۱	۰	۱	۰	۰
اتلاف منابع عمومی در برنامه ریزی و اجرای طرحهای عمرانی	۰	۰	۰	۰	۰	۰
جمع	۱۱	۷	۰	۱۸	۰/۲۶۱۱	۱

اطلاعات جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که در همگی صفحات کتب علوم تجربی پایه‌های مورد بررسی از مجموع ۱۸ عبارت، بیشترین فراوانی و ضریب اهمیت، مربوط به مؤلفه "اتلاف منابع طبیعی و عوامل تولید" است.

به مؤلفه‌های "مصرف توأم با اتلاف و اسراف" و "رعایت نشدن عدالت میان- نسلی در مصرف

[Downloaded from qjfr.ir on 2025-07-20]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1393.11.1.1.1]

منابع عمومی" تنها در کتب پایه هفتم و به ترتیب ۵ و ۱ عبارت اختصاص یافته است. بنابراین به مؤلفه‌های "مصرف با رشدی سریع تر از تولید"، "مصرف ناعادلانه"، "بهره‌وری پایین و با رشد نامناسب" و "اتلاف منابع عمومی در برنامه ریزی و اجرای طرحهای عمرانی" در کتب درسی منتخب پایه های ششم و هفتم و به هیچ یک از مؤلفه‌ها در کتب پایه هشتم اشاره نشده است.

جدول شماره ۳. توزیع فراوانی، ضرایب بار اطلاعاتی و اهمیت عبارات مرتبط با آسیبهای الگوی مصرف در کتاب هدیه های آسمانی

مؤلفه	کتاب هدیه (پیام)های آسمانی				اندازه ضریب	
	سال ششم	سال هفتم	سال هشتم	جمع	باراطلاعاتی	اهمیت
مصرف با رشدی سریع تر از تولید	۰	۰	۰	۰	۰	۰
مصرف توأم با اتلاف و اسراف	۱	۱	۹	۱۱	۰/۵۴۴	۱
مصرف ناعادلانه	۰	۴	۰	۴	۰	۰
اتلاف منابع طبیعی و عوامل تولید	۰	۰	۰	۰	۰	۰
بهره‌وری پایین و با رشد نامناسب	۰	۰	۰	۰	۰	۰
رعایت نشدن عدالت میان- نسلی در مصرف منابع عمومی	۰	۰	۰	۰	۰	۰
اتلاف منابع عمومی در برنامه ریزی و اجرای طرحهای عمرانی	۰	۰	۰	۰	۰	۰
جمع	۱	۵	۹	۱۵	۰/۵۴۴	۱

اطلاعات جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که در همگی صفحات کتب هدیه (پیام) های آسمانی پایه‌های ششم[۱]، هفتم و هشتم ضریب اهمیت مؤلفه "مصرف توأم با اتلاف و اسراف" برابر با ۱ و برای دیگر مقوله‌ها صفر است.

تحلیل کتابهای درسی هدیه‌های آسمانی نشان داد که مؤلفه "مصرف ناعادلانه" با چهار[۲] (تنها در پایه هفتم) و "مصرف توأم با اتلاف و اسراف" با ۱۱ فراوانی مشاهده شده است. در کتب یادشده به مؤلفه‌های "مصرف با رشدی سریع تر از تولید"، "اتلاف منابع طبیعی و عوامل تولید"، "بهره‌وری پایین و با رشد نامناسب"، "رعایت نشدن عدالت میان- نسلی در مصرف منابع عمومی" و "اتلاف منابع عمومی در برنامه ریزی و اجرای طرحهای عمرانی" اشاره ای نشده است.

۱. در صفحه ۳۳ و در قالب توصیف رفتار اهل بیت (ع) آمده است که "از اسراف و هدر دادن نعمتها بیزار بودند."

۲. خطبه سوم نهج البلاغه درباره گرفتن عهد خداوند از آگاهان پیرامون سکوت نکردن در برابر شکم بارگی ستمگران و گرسنگی مظلومان و مناجات امیرالمؤمنین (ع) مبنی بر رعایت مساوات و رسیدگی دقیق به بیت المال در صفحه ۶۱ و دو پرسش از فرمایش علی (ع) در صفحه ۶۴.به همراه روایت امام صادق (ع) از ساده زیستی پیامبر اکرم در صفحه ۵۳.

[Downloaded from qjfr.ir on 2025-07-20]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1393.11.1.1.1]

جدول شماره ۴. توزیع فراوانی، بار اطلاعاتی و ضریب اهمیت عبارات مرتبط با آسیبهای الگوی مصرف در کتاب تفکر و سبک زندگی

عنوان مؤلفه	کتاب تفکر و پژوهش (تفکر و سبک زندگی)				اندازه ضریب	
	سال ششم	سال هفتم	سال هشتم	جمع	باراطلاعاتی	اهمیت
مصرف با رشدی سریع تر از تولید	۰	۰	۰	۰	۰	۰
مصرف توأم با اتلاف و اسراف	۰	۱	۱	۲	۰/۶۳۰۸	۱
مصرف ناعادلانه	۰	۰	۰	۰	۰	۰
اتلاف منابع طبیعی و عوامل تولید	۰	۰	۰	۰	۰	۰
بهره‌وری پایین و با رشد نامناسب	۰	۰	۰	۰	۰	۰
رعایت نشدن عدالت میان- نسلی در مصرف منابع عمومی	۰	۰	۰	۰	۰	۰
اتلاف منابع عمومی در برنامه ریزی و اجرای طرحهای عمرانی	۰	۰	۰	۰	۰	۰
جمع	۰	۱	۱	۲	۰/۶۳۰۸	۱

اطلاعات جدول شماره ۴ نشان می‌دهد که در کتاب درسی تفکر و پژوهش پایه ششم نشانی از پرداختن به آسیبهای الگوی مصرف ملاحظه نمی‌شود. تحلیل کتاب درسی تفکر و سبک زندگی (در پایه‌های هفتم و هشتم) نشان داد که تنها در قالب یک شکل و یک عبارت به مؤلفه‌های «مصرف توأم با اتلاف و اسراف» اشاره شده است[۱].

جدول شماره ۵. توزیع فراوانی، بار اطلاعاتی و ضریب اهمیت عبارات مرتبط با آسیبهای الگوی مصرف در کتاب کار و فناوری

مؤلفه	کتاب کار و فناوری				اندازه ضریب	
	سال ششم	سال هفتم	سال هشتم	جمع	باراطلاعاتی	اهمیت
مصرف با رشدی سریع تر از تولید	۰	۱	۰	۱	۰	۰
مصرف توأم با اتلاف و اسراف	۰	۱	۰	۱	۰	۰
مصرف ناعادلانه	۰	۰	۰	۰	۰	۰
اتلاف منابع طبیعی و عوامل تولید	۰	۰	۰	۰	۰	۰
بهره‌وری پایین و با رشد نامناسب	۰	۰	۰	۰	۰	۰
رعایت نشدن عدالت میان- نسلی در مصرف منابع عمومی	۰	۰	۰	۰	۰	۰
اتلاف منابع عمومی در برنامه ریزی و اجرای طرحهای عمرانی	۰	۰	۰	۰	۰	۰
جمع	۰	۲	۰	۲	۰	۰

اطلاعات جدول شماره ۵ نشان می‌دهد که در همهٔ صفحات کتب کار و فناوری پایه‌های ششم و هشتم، عبارتی که به آسیبهای الگوی مصرف اشاره داشته باشد، مشاهده نشد و لذا ضریب اهمیت صفر است. در پایه هفتم تنها به مؤلفه‌های "مصرف با رشدی سریع تر از تولید" و " مصرف توأم با اتلاف و اسراف"، در قالب دو عبارت اشاره شده است.

۱. در صفحه۱۵۱ از کتاب پایه هشتم در قالب یک شکل و در صفحه ۵۶ از کتاب پایه هفتم در قالب یک عنوان فعالیت، مقایسه شیوه زندگی افراد (افرادی که زیاد قرض می‌گیرند با افرادی که به اندازه خرج می‌کنند) خواسته شده است.

[Downloaded from qjfr.ir on 2025-07-20]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1393.11.1.1.1]

تحلیل محتوای همهٔ صفحات کتب فارسی پایه‌های ششم، هفتم و هشتم، نشان داد که در آنها عبارتی پیرامون آسیبهای الگوی مصرف موجود نیست.

وضعیت آسیبهای الگوی تولید در کتب درسی برگزیده پایه‌های ششم، هفتم و هشتم

در این قسمت بازتاب آسیبهای الگوی تولید درمحتوای کتب درسی منتخب، به ترتیب در پایه-های ششم، هفتم و هشتم تحلیل می‌شود.

جدول شماره ۶. توزیع فراوانی عبارات (متن، پرسش یا تصویر) مرتبط با مؤلفه‌های « آسیبهای الگوی تولید» در کتب درسی پایه ششم

عنوان مؤلفه	کتب درسی					
	مطالعات اجتماعی	تفکر و پژوهش	علوم تجربی	فارسی	کار و فناوری	هدیه‌های آسمانی
سطح نسبتاً پایین رشد تولید	-	-	-	-	-	-
پرنوسانی رشد تولید	-	-	-	-	-	-
بهره‌وری پایین	۱	-	-	-	-	-
فزونی رشد مصرف خانوار و دولت از رشد تولید	-	-	-	-	-	-
وابستگی تولید به واردات	-	-	-	-	-	-
بی‌تناسبی رشد واردات با رشد تولید	-	-	-	-	-	-
وابستگی واردات به درآمدهای نفت و گاز	-	-	-	-	-	-
فزونی واردات بر صادرات غیرنفتی و منفی‌شدن تراز پرداختهای غیرنفتی	-	-	-	-	-	-
قابل تداوم نبودن الگوی فعلی تولید و واردات	-	-	-	-	-	-
جمع	۱	-	-	-	-	-

در پایهٔ ششم از مجموع ۹ مؤلفه "آسیبهای الگوی تولید"، تنها ۱ عبارت[۱] در کتاب مطالعات اجتماعی که مرتبط با مؤلفه "بهره‌وری پایین" است، ملاحظه شد.

جدول شماره ۷. توزیع فراوانی عبارات (متن، پرسش یا تصویر) مرتبط با مؤلفه‌های "آسیبهای الگوی تولید" در کتب درسی پایه هفتم

عنوان مؤلفه	کتب درسی					
	مطالعات اجتماعی	تفکر و سبک زندگی	علوم تجربی	فارسی	کار و فناوری	هدیه‌های آسمانی
سطح نسبتاً پایین رشد تولید	-	-	-	-	-	-
پرنوسانی رشد تولید	-	-	-	-	-	-
بهره‌وری پایین	–	-	-	-	-	-
فزونی رشد مصرف خانوار و دولت از رشد تولید	-	-	-	-	-	-
وابستگی تولید به واردات	-	-	-	-	-	-
بی‌تناسبی رشد واردات با رشد تولید	-	۱	-	-	-	-
وابستگی واردات به درآمدهای نفت و گاز	-	-	-	-	-	-
فزونی واردات بر صادرات غیرنفتی و منفی‌شدن تراز پرداختهای غیرنفتی	-	-	-	-	-	-
قابل تداوم نبودن الگوی فعلی تولید و واردات	-	-	-	-	-	-
جمع	-	۱	-	-	-	-

۱. در صفحه ۶ از کاربرگ ها (کاربرگ ۵)، در قالب اخبار روزنامه ها به هجوم آفت سن در مزارع کرمان و بارش تگرگ در اردبیل که به محصول کشاورزان و درختان میوه خسارت وارد کرده، اشاره شده است.

[Downloaded from qjfr.ir on 2025-07-20]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1393.11.1.1.1]

اطلاعات جدول شماره ۷ نشان داد که از مؤلفه‌های نُه گانه آسیبهای الگوی تولید، تنها یک عبارت (در قالب یک پرسش) به مؤلفه "بی‌تناسبی رشد واردات با رشد تولید" درکتاب تفکر و سبک زندگی پایه هفتم اختصاص یافته است[۱].

در هیچ یک از قالبهای سه گانه متن، فعالیتها-پرسشها و تصاویر کتب درسی پایه هفتم به مؤلفه‌های " سطح نسبتاً پایین رشد تولید"، "پرنوسانی رشد تولید"، "بهره‌وری پایین"، "فزونی رشد مصرف خانوار و دولت از رشد تولید"، "وابستگی تولید به واردات"، "وابستگی واردات به درآمدهای نفت و گاز"، "فزونی واردات بر صادرات غیرنفتی و منفی‌شدن تراز پرداختهای غیرنفتی فعلی تولید و واردات" و"قابل تداوم نبودن الگوی فعلی تولید و واردات"، اشاره ای نشده است. بنابراین می‌توان اظهار کرد که متون مرتبط با "آسیب‌های الگوی تولید"، کمترین انطباق را با محتوای ارائه شده در کتابهای درسی منتخب داشتند.

جدول شماره ۸. توزیع فراوانی عبارات (متن، پرسش یا تصویر) مرتبط با مؤلفه‌های "آسیبهای الگوی تولید" در کتب درسی پایه هشتم

عنوان مؤلفه	کتب درسی					
	مطالعات اجتماعی	تفکر و سبک زندگی	علوم تجربی	فارسی	کار و فناوری	هدیه‌های آسمانی
سطح نسبتاً پایین رشد تولید	-	-	-	-	-	-
پرنوسانی رشد تولید	-	-	-	-	-	-
بهره‌وری پایین	–	-	-	-	-	-
فزونی رشد مصرف خانوار و دولت از رشد تولید	-	-	-	-	-	-
وابستگی تولید به واردات	-	-	-	-	-	-
بی‌تناسبی رشد واردات با رشد تولید	-	-	-	-	-	-
وابستگی واردات به درآمدهای نفت و گاز	-	-	-	-	-	-
فزونی واردات بر صادرات غیرنفتی و منفی‌شدن تراز پرداختهای غیرنفتی	-	-	-	-	-	-
قابل تداوم نبودن الگوی فعلی تولید و واردات	-	-	-	-	-	-
جمع	-	-	-	-	-	-

اطلاعات جدول شماره ۸ نشان داد که در هیچ یک از قالبهای سه گانه متن، فعالیتها-پرسشها و تصاویر کتب درسی پایه هشتم، عبارتی که به مؤلفه‌های نه گانه آسیبهای الگوی تولید، اختصاص یافته باشد ملاحظه نشد. بنابراین می‌توان عنوان کرد که متون مرتبط با "آسیبهای الگوی تولید"، کمترین انطباق را با محتوای ارائه شده در کتب درسی منتخب داشتند.

۱. در صفحه ۷۲، سؤال شده است که آیا پاسخ به پرسش "از نظر مردم واردات محصولات مصرفی چه نقشی در کاهش یا افزایش رشد تولید ملی دارد؟" با نظر سنجی به دست می‌آید؟

[Downloaded from qjfr.ir on 2025-07-20]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1393.11.1.1.1]

جدول شماره ۹. توزیع فراوانی، بار اطلاعاتی و ضریب اهمیت عبارات مرتبط با آسیبهای الگوی تولید در کتب درسی مورد بررسی

مؤلفه	مطالعات اجتماعی				تفکر و سبک زندگی				اندازه ضریب	
	سال ششم	سال هفتم	سال هشتم	جمع	سال ششم	سال هفتم	سال شتم	جمع	باراطلاعاتی	اهمیت
سطح نسبتاً پایین رشد تولید	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
پرنوسانی رشد تولید	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
بهره‌وری پایین	۱	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰
فزونی رشد مصرف خانوار و دولت از رشد تولید	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
وابستگی تولید به واردات	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
بی‌تناسبی رشد واردات با رشد تولید	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۱	۰	۰
وابستگی واردات به درآمدهای نفت و گاز	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
فزونی واردات بر صادرات غیرنفتی و منفی‌شدن تراز پرداختهای غیرنفتی	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
قابل تداوم نبودن الگوی فعلی تولید و واردات	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
جمع	۱	۰	۰	۱	۰	۱	۰	۱	۰	۰

اطلاعات جدول شماره ۹ نشان می‌دهد که در همهٔ صفحات کتب مطالعات اجتماعی و تفکر و پژوهش (سبک زندگی) پایه‌های ششم، هفتم و هشتم، اندازه ضرایب بار اطلاعاتی و اهمیت برای مقوله‌های «پرنوسانی رشد تولید»، «سطح نسبتاً پایین رشد تولید»، "وابستگی تولید به واردات"، "وابستگی واردات به درآمدهای نفت وگاز"، «فزونی واردات بر صادرات غیرنفتی و .... » و «قابل تداوم نبودن الگوی فعلی تولید و واردات»، برابر با صفر است.

جمع‌بندی و پیشنهادها

اصلاح الگوهای مصرف و تولید مستلزم تغییر در نگرشها، باورها و به طور کلی فرهنگ عمومی خانواده‌هاست و آموزش و پرورش نقش اساسی در توسعه دانش، انتقال ارزشها و اصلاح رفتارهای مربوطه دارد. مهم‌ترین ابزار انتقال این آموزه‌ها کتابهای درسی هستند که برای بررسی چگونگی ارائه مفاهیم مرتبط با الگوهای تولید و مصرف به خانواده ها، در این مقاله مورد مطالعه قرار گرفتند. کتب درسی مطالعات اجتماعی، هدیه‌های آسمانی، فارسی، کار و فناوری، تفکر و پژوهش و فرهنگ و هنر پایه‌های ششم، هفتم و هشتم به دلیل نزدیکی با موضوع مطالعه و تغییر محتوای بر مبنای اسناد تحول بنیادین و برنامه درسی ملی در سالهای اخیر انتخاب شدند.

[Downloaded from qjfr.ir on 2025-07-20]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1393.11.1.1.1]

مقاله حاضر به سبب موضوع و نیز روش پژوهش مقید به تحلیل ارزشیابی است که هدف از آن تحلیل کمی متن برای پی بردن به نوع گرایش و ارزش گذاریهای تولید کننده متن به اقتضای روش مطالعه بود.

در این مسیر با بهره‌گیری از یافته‌های گزارش کمیسیون اصلاح الگوی مصرف دبیرخانه شورای انقلاب فرهنگی، مجموعهٔ مؤلفه‌ها برای تحلیل محتوا تعیین و پس از آن محتوای کتب یاد شده با استفاده از روش آنتروپی شانون تحلیل شدند.

یافته‌ها نشان دادند که در پایه ششم از مجموع هفت مؤلفه "آسیبهای الگوی مصرف"، به سه مؤلفه" اتلاف منابع طبیعی و عوامل تولید"، "مصرف توأم با اتلاف و اسراف" و "رعایت نشدن عدالت میان- نسلی در مصرف منابع عمومی" اشاره شده و در برابر آن، به چهار مؤلفه "بهره‌وری پایین و با رشد نامناسب"، "اتلاف منابع عمومی در برنامه‌ریزی و اجرای طرحهای عمرانی"، "مصرف ناعادلانه" و "مصرف با رشدی سریع‌تر از تولید" توجه نشده است. نکته قابل توجه عدم استفاده از ظرفیت کتب هدیه‌های آسمانی، فارسی، تفکر و پژوهش وکار و فناوری با وجود ظرفیت چشمگیر آنها برای انعکاس آموزه‌های مرتبط با موضوع اصلاح الگوی مصرف است.

در پایه هفتم از مجموع ۷ مؤلفه آسیبهای الگوی مصرف، به ۵ مؤلفه در قالب ۵ کتاب از مجموع ۷ کتاب اشاره شده و در برابر آن به دو مؤلفه" بهره‌وری پایین و با رشد نامناسب" و "اتلاف منابع عمومی در برنامه ریزی و اجرای طرح‌های عمرانی" پرداخته نشده است. در پایه هفتم از ظرفیت کتب فارسی و فرهنگ و هنر برای پرداختن به موضوع اصلاح الگوی مصرف خانواده ها استفاده نشده است.

در پایه هشتم از مجموع ۷ مؤلفه آسیبهای الگوی مصرف، تنها به مؤلفه "مصرف توأم با اتلاف و اسراف" در قالب ۲ کتاب از مجموع ۷ کتاب اشاره شده و در برابر آن به مؤلفه های "رعایت نشدن عدالت میان- نسلی در مصرف منابع عمومی"، "بهره‌وری پایین و با رشد نامناسب"، "اتلاف منابع طبیعی و عوامل تولید"، "مصرف با رشدی سریع تر از تولید"، "مصرف ناعادلانه" و "اتلاف منابع عمومی در برنامه ریزی و اجرای طرحهای عمرانی" پرداخته نشده است. در این پایه از ظرفیت کتب فارسی، مطالعات اجتماعی، علوم، کار و فناوری و فرهنگ و هنر برای پرداختن به موضوع اصلاح الگوی مصرف خانواده ها استفاده نشده است.

ضرایب بار اطلاعاتی و اهمیت به دلایلی مانند نبود فراوانی، تنها برای برخی از مؤلفه‌ها و کتب

[Downloaded from qjfr.ir on 2025-07-20]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1393.11.1.1.1]

مورد بررسی قابل برآورد است. در کتب مطالعات اجتماعی پایه‌های ششم، هفتم و هشتم بیشترین ضریب اهمیت به "مصرف توأم با اتلاف و اسراف" و کم ترین به "اتلاف منابع طبیعی و عوامل تولید" اختصاص دارد.

در کتب علوم تجربی پایه‌های ششم، هفتم و هشتم تنها ضریب اهمیت مربوط به مؤلفه "اتلاف منابع طبیعی و عوامل تولید" با اندازه ۱ قابل برآورد است و برای دیگر مقوله‌ها برابر با صفر است.

در کتب هدیه‌های آسمانی پایه‌های ششم، هفتم و هشتم، ضریب اهمیت مقوله "مصرف توأم با اتلاف و اسراف" برابر با ۱ و برای دیگر مقوله‌ها صفر است.

در کتب تفکر و پژوهش (تفکر و سبک زندگی) پایه‌های ششم، هفتم و هشتم، ضریب اهمیت مقوله "مصرف توأم با اتلاف و اسراف" برابر با ۱ و برای دیگر مقوله‌ها صفر است.

همچنین در همهٔ صفحات کتب کار و فناوری پایه‌های ششم و هشتم عبارتی که به آسیبهای الگوی مصرف اشاره داشته باشد مشاهده نشد، ولی در کتاب پایه هفتم دو عبارت معطوف به مؤلفه های "مصرف با رشدی سریع تر از تولید" و "مصرف توأم با اتلاف و اسراف" ملاحظه شد و لذا ضریب اهمیت صفر است.

در پایه ششم از مجموع ۹ مؤلفه "آسیبهای الگوی تولید"، تنها به مؤلفه بهره‌وری پایین (در قالب یک عبارت و یک درس ازکتاب مطالعات اجتماعی) اشاره شده است.

در پایه هفتم نیز از مجموع ۹ مؤلفه مربوط به "آسیبهای الگوی تولید"، تنها به مؤلفه "بی‌تناسبی رشد واردات با رشد تولید" (درقالب یک پرسش در کتاب تفکر و سبک زندگی) اشاره شده است.

در این پایه به مؤلفه‌های "سطح نسبتاً پایین رشد تولید"، "پرنوسانی رشد تولید"، "بهره‌وری پایین"، "بی‌تناسبی رشد واردات با رشد تولید"، "وابستگی تولید به واردات"، "وابستگی واردات به درآمدهای نفت و گاز"، "فزونی واردات بر صادرات غیرنفتی و منفی‌شدن تراز پرداختهای غیرنقتی فعلی تولید و واردات" و "قابل تداوم نبودن الگوی فعلی تولید و واردات"، اشاره نشده است. در کتب درسی مورد بررسی پایه هشتم به مؤلفه های مربوط به "آسیبهای الگوی تولید"، اشاره نشده است. بنابراین می‌توان اظهار کرد که متون مرتبط با "آسیبهای الگوی تولید"، سازگاری اندکی با محتوای کتب درسی منتخب داشته که البته سهم الگوی تولید در مقایسه با الگوی مصرف بسیار کمتر است.

به طورکلی نتایج این مطالعه بر دو نکته اساسی دلالت دارد. نخست اهمیت و جایگاه موضوع

[Downloaded from qjfr.ir on 2025-07-20]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1393.11.1.1.1]

اصلاح الگوهای مصرف و تولید است که نیازمند پرداخت بیشتر در کتب درسی است. نکته مهم تر از اندازه مطالب، چگونگی پرداختن به موضوع از جنبه پوشش آسیبهای مربوطه و پرداختن به همهٔ ابعاد با رویکرد استدلالی و تبیین پیامدها برای خانواده هاست. به نظر می‌رسد که تبیین چگونگی تحقق پدیده رشد سریع‌تر مصرف از تولید، تشریح سازوکارهای مربوطه و تحلیل پیامدهای تداوم آن در آینده به مراتب کارسازتر از تکرار چندباره نامطلوب بودن وضعیت الگوی مصرف در کشور است.

دسترسی و چیرگی بیشتر برنامه ریزان کتب درسی نسبت به مبانی نظری و اطلاعات دقیق و کافی پیرامون ابعاد موضوع و نتایج پژوهشهای مرتبط به همراه بهره‌مندی از تخصصهای گوناگون می‌تواند از پرداخت غیر مؤثر به موضوع، تکرار بیهودهٔ مطالب بعضاً غیر مستدل و حتی ناسازگار با واقعیت جلوگیری کند. برای نمونه موضوع اسراف در شرایطی بیشترین فراوانی از عبارات مرتبط با الگوی مصرف را در کتب درسی به خود اختصاص داده است که مذموم بودن آن نزد اکثریت مردم امری کاملاً روشن و بدیهی می‌نماید، اما مفهوم عملیاتی و مصادیق آن مبهم و به نوع نگرش و سطح دانش و چگونگی رفتار افراد بستگی دارد. کمبود دانش مصرفی خانواده ها می‌تواند از اثربخشی سیاستهای معطوف به اصلاح الگوی مصرف و گسترش کاربرد راهبردهای مبتنی بر صیانت و کارآیی در بهره گیری از منابع ممانعت کند و در چنین شرایطی تکرار نکوهیده بودن اسراف و تبذیر اگر بی فایده نباشد، کم فایده است.

تجربه جهانی نشان داده است که برنامه‌های آموزشی به منزلهٔ شیوه‌ای کم هزینه و با تأثیری بلند مدت برای صیانت از منابع اهمیت دارد و به همین سبب آموزش نحوه مصرف به مثابه مبنایی برای صرفه‌جویی، ابراز رفتاری کارآ و ایجاد گرایشهای اجتماعی همسو با توسعهٔ کشور اهمیت دارد.

توسعه سواد مصرفی با مفهومی فراتر از دانش، تبیین معنای عدالت میان- نسلی، پیامدهای سطح پایین بهره‌وری و رشد تولید، تبعات رشد سریع مصرف نسبت به تولید، عوارض تداوم وابستگی تولید به واردات وابسته به درآمدهای نفت و گاز، سرانجام فزونی واردات بر صادرات غیرنفتی و تداوم الگوی فعلی تولید و واردات برای خانواده ها، تقویت احساس مسئولیت، تشویق به ابراز حساسیت نسبت به اتلاف منابع عمومی و گرایش به عدالت در مصرف در میان خانواده ها از مجموعه باورها، ارزشها، رفتارها و اندیشه‌های پشتوانه توسعه کشورهستند که لازم است در کتابهای درسی، بیشتر مورد توجه قرار بگیرند .

[Downloaded from qjfr.ir on 2025-07-20]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1393.11.1.1.1]

علاوه بر آگاهی از نتایج پژوهشهای مرتبط، استفاده از مبانی نظری استواری مانند اندیشه توسعه پایدار می‌تواند کمک قابل توجهی به برنامه‌ریزی کتب درسی کند و پوشش نظری جامعی از مجموعه ارکان و عناصر مرتبط با اصلاح الگوهای مصرف و تولید را فراهم سازد. توسعه پایدار ارزیابی همزمان تراز اجتماعی- اقتصادی را در کنار تراز سیستمهای طبیعی خواستار می‌شود (خلعت‌بری، ۱۳۷۹: ۲۴).

پژوهش و نیازسنجی، نخستین مرحله از مراحل هشتگانه فرآیند تولید برنامه درسی در دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی در کشور است و تدارک پشتوانه نظری و بهره‌گیری از یافته‌های پژوهشی، ناظر به همین مرحله است. بنابراین توجه بیشتر برنامه ریزان درسی به موضوع الگوهای مصرف و تولید به همراه مراجعه به اطلاعات متقن و مستند توصیه می‌شود.

پیشنهاد می‌شود که در پژوهشهای آتی، جهت و شدت بار ارزشی متن تعیین و تأثیر آن روی گیرنده پیام (دانش‌آموزان) سنجیده شود. همچنین شایسته است تا علاوه بر محتوای آشکار و معنای سطحی متن، تحلیل محتوای پنهان و لایه‌های عمیق‌تر معانی نهفته در متن و اسناد مورد توجه قرار گیرد. البته بدیهی است که ضرورت دارد در انتخاب محتوا دقت شود و متن از شرایط مناسب مانند تناسب با سن و دوره تحصیلی و برخورداری از ویژگیهای زیبایی شناسی برخوردار باشد.

برنامه ریزان درسی باید دیدگاههای ملی و جهانی، آثار تصمیم گیریهای فردی و اجتماعی، پیامدهای غیرمستقیم محیطی، روابط میان محیط زیست ملی و جهانی و ملاحظات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مربوط به مصرف را در برنامه درسی بگنجانند. برنامه‌های درسی در زمینه مصرف باید در دسترس و عملیاتی، بر پایه تحقیق، تجربه، گیرا و برخوردار از توانایی حل مشکلات ملی باشند و آموزه‌هایی مشخص را به دانش‌آموز ارائه کنند تا بتواند در زندگی خود و خانوادهٔ خود به کار گیرد. برنامه درسی باید پروژه‌های مرتبط، مطالعات موردی و تمرین تصمیم‌گیری را شامل شود و بر راهبردهای کاربردی مؤثر بر ایجاد تغییر در ارزشها، باورها و دیدگاههای دانش‌آموزان تأکید کند.

همچنین نسل آتی استانداردهای آموزشهای معطوف به اصلاح الگوهای مصرف و تولید باید معیارهایی را در برگیرند که نه تنها دانش مصرف خانواده ها بلکه درک اهمیت دانش عملی مصرف، مهارتهای تصمیم‌گیری، قضاوتهای ارزشی، اخلاقی و مسئولیت پذیری اعضای خانواده در زمینه مصرف را نیز در برگیرد. بنابراین تأکید می‌شود که به برنامه‌های آموزشی پیشرفته در زمینه

[Downloaded from qjfr.ir on 2025-07-20]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1393.11.1.1.1]

مصرف نیازمندیم تا در نظام آموزش عمومی پیاده شوند و عناوین موضوعی گسترده‌تری را در زمینه مصرف و مرتبط با رویدادهای اخیر (مانند پیامدهای ناشی از افزایش تحریمها و کاهش قیمت نفت بر مصرف) و ابعاد عملی همچون چگونگی مصرف روزمره را پوشش دهند. در چنین شرایطی است که می‌توان به تحقق بخشیدن به سیاستهای کلی ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش مبنی بر ارتقای جایگاه آموزش و پرورش به مثابه مهمترین نهاد مولد سرمایه اجتماعی و تربیت انسانهای مسؤولیت پذیر، قانونگرا، عدالت خواه، خردورز، جمع گرا و خودباور نزدیک تر شد.

[Downloaded from qjfr.ir on 2025-07-20]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1393.11.1.1.1]

منابع

آذر، عادل. (۱۳۸۰). بسط و توسعه روش آنتروپی شانون برای پردازش داده‌ها در تحلیل محتوی. *فصلنامه علمی- پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهرا*،۱۱(۳۷-۳۸)،۸-۱۲.

آلکین، ام. اس. (۱۳۸۷). الگوهای ارزشیابی برنامه درسی، ترجمه کورش فتحی واجارگاه، در: مهرمحمدی، محمود (۱۳۸۷) *برنامه درسی نظرگاهها، رویکردها و چشم‌اندازها*. تهران: سمت.

افخمی، حسین. (۱۳۸۹). صرفه جوئی آب در کتاب های درسی مدارس. *علوم اجتماعی: جهانی رسانه*، شماره ۶، ۱۸-۴۷.

باردن، لورنس. (۱۳۷۴): *تحلیل محتوا*، (ترجمه ملیحه آشتیانی و محمد یمنی دوزی سرخابی). تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

بازرگان، عباس. (۱۳۸۵). *ارزشیابی آموزشی*. تهران: سمت.

جوادی، محمد جعفر. (۱۳۷۷). بررسی نظرات اولیای دانش‌آموزان، دانش‌آموزان و معلمان دوره ابتدایی درباره کتابهای درسی. *فصلنامه تعلیم و تربیت*، شماره ۵۳ و ۵۴، سال پانزدهم، ۲۹-۶۲.

حسینی، سید محمد حسین. (۱۳۹۱). *ارزشیابی برنامه درسی (قصدشده) تعلیمات اسلامی دوره ابتدایی براساس ملاک‌های راهنمای برنامه‌درسی مصوب شورای عالی آموزش و پرورش*. طرح پژوهشی، دبیرخانه شورایعالی آموزش و پرورش.

خلعت‌بری، فیروزه. (۱۳۷۹). بهره‌برداری از منابع نفتی در راستای توسعه پایدار. *فصلنامه تأمین اجتماعی*، سال دوم، شماره سوم، ۷۹۱- ۸۱۸ .

دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی. (۱۳۸۱). *فرایند تولید و تهیه برنامه درسی*. تهران: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.

دووروژه، موریس. (۱۳۶۲). *روش های علوم اجتماعی*، (ترجمه خسرو اسدی). تهران: امیر کبیر.

رایف، دانیل؛ لیسی، استفن و فیکو، فردریک. جی. (۱۳۸۵). *تحلیل پیامهای رسانه‌ای، کاربرد تحلیل محتوای کمّی در تحقیق*، (ترجمه مهدخت بروجردی علوی). تهران: سروش (صدا و سیما).

ربیعی، مهدی و محبی امین، سکینه. (۱۳۸۸). تحلیل محتوای کتاب‌های درسی دوره ابتدایی برحسب سازه الگوی مصرف (با تأکید بر آیات و روایات). *فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده*، سال پنجم، شماره ۱۶، ۱۱۳-۱۴۲.

ساروخانی، باقر. (۱۳۷۸). *روش های تحقیق در علوم اجتماعی، جلد اول*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

سرمد، زهره؛ حجازی، الهه و بازرگان، عباس. (۱۳۸۰). *روش های تحقیق در علوم رفتاری*. تهران: انتشارات سپهر.

شریعتمداری، علی. (۱۳۸۰). *فلسفه تعلیم و تربیت*. تهران: امیرکبیر.

عباس زادگان، محمد. (۱۳۷۶). *اصول و مفاهیم اساسی در برنامه ریزی درسی*. تهران: مؤسسه انتشارات سوره.

قلی پور، سمانه. (۱۳۸۹). بررسی و تبیین نقش و عملکرد نظام آموزش و پرورش. در مجموعه *مقالات همایش اصلاح الگوی مصرف*، مؤسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی.

کرلینجر، فرد. آن. (۱۳۸۲). *مبانی پژوهش در علوم رفتاری*، (ترجمه حسن پاشا شریفی و جعفر نجفی زنده). تهران: آوای نور.

[Downloaded from qjfr.ir on 2025-07-20]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1393.11.1.1.1]

کمیسیون اصلاح الگوی مصرف. (۱۳۸۹). *الگوی مصرف در ایران، چالش‌های پیش رو برنامه پژوهشی، نگرش اقتصادی*. دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، منتشرنشده.

کیامنش، علیرضا. (۱۳۸۰). *روشهای ارزشیابی آموزشی*. تهران: پیام نور.

لوی، آریه. (۱۳۶۹). *برنامه ریزی درسی مدارس*، (ترجمه فریده مشایخ). تهران: دفتر امور کمک آموزشی.

منکیو، گریگوری. (۱۳۸۷). *مبانی اقتصاد*، (ترجمه منوچهر عسگری). تهران: نشر کوهسار، چاپ دوم.

موسائی، میثم. (۱۳۸۸). نقش فرهنگ بر الگوی مصرف. *فصلنامه اقتصاد اسلامی*، شماره ۳۴، ۱۲۵-۱۵۰

نادری، ابوالقاسم. (۱۳۸۳). *اقتصاد آموزش و پرورش*. تهران: نشر یسطرون.

نیکلسن، ادری. (۱۳۷۴). *راهنمای عملی برنامه ریزی درسی*، (ترجمه داریوش دهقان). تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، چاپ چهارم.

هولستی، ال. ار. (۱۳۸۰). *تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی*، (ترجمه نادر سالارزاده امیری). تهران: دانشگاه علامه‌طباطبائی.

Altbach, P.G. (1995). Textbook. In T. Husen & T. N. Postlethwaite (Eds.), *The international encyclopedia of education*. Oxford: Pergamon.

Connelly, F. M., & Clandinin, D. J. (1991). *The international encyclopedia of curriculum.* New York: Pergamon Press.

DeWaters, J. E., & Powers, S. E. (2007). Developing an energy literacy scale. In: *Proceedings of the 114th Annual ASEE Conference & Exposition*, Honolulu, HI, June 23-28, 2007, paper number AC 2007-1069.

Dias, et al. (2004). Energy education: Breaking up the rational energy use barriers. *Energy Policy*, *32*(11),1339-1347.

Eisner, E.W. (1994). *The educational imagination: On the design and evaluation of school program*. New York: McMillan College Publishing Company.

Kim, Y. H. (1988). The consumer demand for education. *The Journal of Human Resources*, *23*(2), 173-192.

McNamara, J. R. (2001). *Media Content Analysis*. Available online at www.carma.com.

Obery, A. A. (1991). Curriculum decisions. *The international encyclopedia of curriculum*. New York: Pergamon Press.

Schoonmaker, F. (2010). Curriculum evaluation. In C. Kridel (Ed.), *Encyclopedia of curriculum studies*, (pp. 209-212). Thousand Oaks, CA: Sage Publications, Inc.

Sovacool, B.K. (2009). The cultural barriers to renewable energy and energy efficiency in the united states. *Technology in Society*, *31*, 365-373.

Stufflebeam, D. L., Madaus, G. F., & Kellaghan, T. (2002). *Evaluation models: Viewpoints on educational and human services evaluation* (2nd Ed.). New York: Kluwere Academic Publishers.

Westbury, I. et al. (1985). Textbook analysis. In T. Husen & T. N. Postlethwaite (Eds.), *The international encyclopedia of education* (pp. 5219-5235). New York: Pergamon Press.

Zografakis, N., Menegaki, A.N., & Tsagarakis, K.P. (2008). Effective education for energy efficiency. *Energy Policy*, 36, 3226-3232.

[Downloaded from qjfr.ir on 2025-07-20]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1393.11.1.1.1]